

سعدی، شاعر جهانی

غلامعلی حدادعادل

بسیار مفتخرم که در آستانه اول اردیبهشت ماه جلالی در کنار آرامگاه سعدی، در جمعی که دلها به یاد او می‌تپد، فرصت سخن گفتن از سعدی به دست آمده است. من از جانب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، از مردم با ذوق شیراز و مسئولان فرهنگ شناس این شهر که روزی را به نام روز سعدی تعیین کرده‌اند تا همه ساله در آن روز با سعدی تجدید پیمان کنیم، سپاسگزاری می‌کنم.

مردم شیراز هر چه نسبت به سعدی قدرشناسی کنند، جا دارد. برای آنکه سعدی به گردن شیراز و شیرازی‌ها خیلی حق دارد. سعدی یک شاعر جهانی است. او با جهانی بودن خودشیراز را هم جهانی کرده است. هر جا که نام سعدی در کار است او را به عنوان سعدی شیرازی می‌شناسند. این است که امروز اگر مردم شیراز روزی را در سال، به نام او نامگذاری کنند، در حقیقت اندکی از حق بسیاری را که او بر گردن آنها دارد، ادا کرده‌اند. برای آنکه از جهانی بودن سعدی تا اندازه‌ای آگاه شوید، حضورتان عرض می‌کنم که در کتاب روزنامه‌خاطرات سومین سفر ناصرالدین‌شاه به فرنگستان که

در سال ۱۳۰۶ هـ.ق. اتفاق افتاده، ناصرالدین‌شاه از رییس جمهور فرانسوی نام می‌برد که با او ملاقات داشته و نام این رییس‌جمهور «سعدی کارنو» بوده است. من موقعی که آن کتاب را می‌خواندم حیرت کردم که رییس‌جمهور فرانسه در ۱۱۰ - ۱۱۵ سال پیش به چه علت نامش سعدی بوده است؟ تا اینکه ماجرا را در کتاب ارزشمند «از سعدی تا آراگون» دکتر جواد حدیدی خواندم و از زبان ایشان هم شنیدم که این رییس‌جمهور پدر بزرگی داشته که سخت شیفته سعدی بوده به همین دلیل نام یکی از فرزندان خود را سعدی گذاشته بود، اما آن فرزند در جوانی از دنیا می‌رود. پسر دیگر آن پدر بزرگ که عشق پدر خود را به سعدی می‌دانسته، نام فرزند خود را مجدداً سعدی انتخاب می‌کند. آن طور که من به یاد دارم در پاریس ظاهراً چهار خیابان در حال حاضر به نام سعدی وجود دارد. این یک نمونه از جهانی بودن سعدی است. بنده به جهت علاقه و سابقه‌ای که در آموزش و پرورش دارم و وظیفه‌ای که در فرهنگستان زبان و ادب فارسی بر عهده دارم، از این فرصت فرخنده برای طرح یک نکته استفاده می‌کنم و آن جلب توجه حاضران ارجمند به توان آموزشی سعدی در تعلیم زبان و ادبیات فارسی است. همه می‌دانیم که امروزه شکوه‌های بسیاری از ناتوانی درس خوانده‌ها در سخن گفتن و در نوشتن وجود دارد. این یک واقعیت است که بسیاری از تحصیل کرده‌های دانشگاهی ما نمی‌توانند مقصود خود را چنانکه باید ادا کنند و بسیاری از آنها از عالم شعر و ادب فاصله دارند. گاه اتفاق افتاده که در یک مصاحبه استخدامی از داوطلبان خواسته شده که لااقل یک بیت شعر بخوانند و داوطلب استخدامی حتی نتوانسته یک بیت شعر از حافظه خود نقل کند. این واقعیت تلخی است و همیشه باید از این حیث نگران بود.

من در عین اینکه اصل وجود چنین مشکلی را تأیید می‌کنم، عرض می‌کنم که یک راه برای غلبه بر این مشکل، تجدید عهد با سعدی است. بنده نمی‌خواهم مسئله آموزش زبان و ادبیات را بیش از حد ساده کنم. البته این یک پدیده اجتماعی و یک مسئله آموزشی پیچیده است و از راه‌های گوناگون باید برای حل آن چاره اندیشی کرد، اما قطعاً یک راه،

آشتی با سعدی و آثار سعدی، خصوصاً گلستان و بوستان است. من بر این باورم که سعدی آموزگار یگانه و همیشگی زبان فارسی است. زبان فارسی به دست سعدی و با کمک آثار سعدی در طول قرن‌های گذشته پس از سعدی آفاق گیتی را فتح کرده است. شما به تاریخ زبان فارسی بعد از سعدی در هر جای دنیا که مراجعه کنید، می‌بینید که مردمان، فارسی را نخستین بار از سعدی آموخته‌اند. امروز هم در هند و پاکستان، گلستان شیرین‌ترین کتاب آموزشی زبان فارسی است. در تاجیکستان، در آسیای مرکزی، در آسیای صغیر و در همه قلمرو پهناور فرهنگی ایران که بسی فراتر از مرزهای جغرافیایی امروز ماست، این سعدی بوده که نوآموزان زبان فارسی را به خوبی، فارسی آموخته و آنها با خواندن گلستان حلاوت زبان فارسی را چشیده‌اند.

ما باید ظرفیت آموزشی گلستان را بشناسیم و دوباره آن را به صورت جدی در کشور خودمان به کار گیریم. درست است که ما امروز به سبک گلستان نمی‌نویسیم، اما راهی که زبان فارسی بعد از سعدی تا به امروز و مخصوصاً یکصد سال اخیر که دوران ساده نویسی است، پیموده، مسیر تکاملی همان مسیری است که سعدی با انگشت خود به ما نشان داده. یعنی ما در همان جهتی سیر می‌کنیم که سعدی به ما نشان داده است. سبک سخن امروز ما منطبق بر سبک گلستان نیست، اما معیارهای ما غالباً همان معیارهای سعدی است. ترازویی که در دست ماست همان ترازویی است که سعدی ساخته. اصلاً سعدی ترازوی ما در سنجش وزن ادب امروز ماست. در آثار سعدی استحکام، روانی، اعتدال در استفاده از لغات عربی، هنرمندی‌های شاعرانه، شیرین کاری‌های رندانه و نمکین بودن کلام و گفتار را با هم می‌بینیم و این همه هنرهای صوری، با هنر اصلی سعدی که دینداری و معنویت و خداشناسی و توحید و انسانیت و عدالت است، همراه است. تنوع مضامین در آثار سعدی از گلستان و بوستان یک کتاب دلنشین آموزشی ساخته است. تنوعی که برخوردار از نمونه‌های فراوان آفاقی و انفسی است. آن سفرهای متعدد طولانی و آن انسان‌شناسی و شناخت احوال درون به مجموعه آثار او تنوعی داده

که از این حیث بی نظیر است. باید از این مکان و از این ابزار و از این توانمندی بیشتر استفاده کرد.

باید سعدی به جوانان بیشتر معرفی شود و ما نباید با توهم تجدد مآبی از برکت تعلیمی و آموزشی سعدی خودمان را محروم کنیم. خصوصاً در روزگاری که بیش از همه‌زمان‌های دیگر به آموزگاری چون سعدی نیازمندیم.

انتشار گزیده‌های مناسب از گلستان و بوستان، همراه کردن این گزیده‌ها با هنر نقاشی، تذهیب و ساختن برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و نمایشنامه از گلستان و بوستان از جمله کارهایی است که می‌شود انجام داد. آخرین نکته این است که می‌دانم در کنار آرامگاه سعدی و نیز آرامگاه حافظ در این شهر کتابخانه‌ای است. بنده از سال‌ها پیش به مسئولان فرهنگی این شهر پیشنهاد کرده‌ام و آنها هم در این پیشنهاد به نظر عنایت نگریسته‌اند که ما باید کاری کنیم که آنچه در دنیا به نام سعدی به صورت کتاب و مقاله، چه به زبان فارسی، چه ترجمه به زبان‌های دیگر منتشر شده، گردآوری کنیم و در یک کتابخانه اختصاصی در کنار آرامگاه سعدی جمع کنیم تا هر محقق از هر جای جهان، از جمله از ایران خودمان بخواهد درباره سعدی تحقیق کند، مطمئن باشد که غنی‌ترین گنجینه تحقیق برای سعدی در سعديه و برای حافظ در حافظیه است.

امیدوارم راه برای تأسیس چنین کتابخانه پربراری باز شود و ما در سال‌های آینده در حالی در کنار آرامگاه سعدی، روز سعدی را جشن بگیریم که یک چنین گنجینه‌ای فراهم آمده باشد. نیز امیدوارم با اصلاح محیط اطراف سعدی یک انگشتی ایجاد کنیم که شایستگی نگین درخشان سعديه را داشته باشد.